

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

نویسنده: مرتضی کاظمیان

فرستنده: حمید بهشتی

۱۲ دسمبر ۲۰۱۴

حقوق بشر و مهاجران افغان



در یک نظرسنجی جدید که در تابستان سال جاری توسط روزنامه "خراسان" منتشر شده، نتایج قابل توجهی وجود دارد؛ از جمله آن که افزون بر نیمی از مخاطبان پژوهش در مشهد، افغان‌ها را افرادی آرام، سخت‌کوش و صادق توصیف کرده‌اند، و حدود ۱۶ درصد آنان را شبیه به ایرانی‌ها دانسته‌اند. یا این که حدود ۷۷ درصد گفته‌اند که از مهاجران افغان "خاطرات خوب و مطلوب" دارند یا "خاطره مثبت یا منفی" ندارند. هرچند - به گونه‌ای قابل حدس - اکثریت (کمی بیش از نیمی از مخاطبان تحقیق) معتقدند و منتقد که نیروی کار افغان، جای نیروی کار ایرانی را می‌گیرد؛ اما جالب است که تنها یک سوم شهروندان بر خروج آنان از کشور، اصرار دارند.

نخست؛

"چه سال بی‌کفایتی !

که مردمان بی‌کفایتش

بهار را نه درک می‌کنند و نی پذیره می‌شوند

چه مردمان بی‌کفایتی!

بهار را که فصل باطراوتی‌ست

سنگ می‌زنند."

(خالده فروغ)

کلیپ تلخ و بس تأسفار کوتاهی از توهین یک افسر نیروی انتظامی نسبت به گروهی از مهاجران غیرقانونی افغان بازداشت‌شده در یک پاسگاه، به تازگی در فضای آنلاین و اینترنت منتشر شده؛ فلمی که ظاهراً با موبایل ضبط شده و در آن افسر نیروی انتظامی مهاجران بازداشت‌شده افغان را با تحقیر و توهین، تنبیه و وادار به کردارهایی می‌کند که مستقل از غیرقانونی بودن آن، آشکارا غیرانسانی و در تناقض با حقوق بشر است.

در فلم تلخ مزبور، مهاجرانی که برخی مسن هستند و جملگی - به‌گونه‌ای محسوس - در جست‌وجوی کار و فضای زیستی - معیشتی امن‌تر و مناسب‌تر، خانه و کاشانه و میهن را رها کرده، راهی غربت (ایران) شده‌اند، مورد استهزاء و خشونت مأمور نیروی انتظامی قرار می‌گیرند. مهاجرانی مظلوم و رنج‌دیده و در خور همدلی و مساعدت، که هدف بد رفتاری و آسیب‌های روان‌شناختی کسی/کسانی قرار می‌گیرند که لباس پولیس بر تن کرده‌اند.

این فلم، نخستین مورد منتشر شده در این حوزه (بدرفتاری با مهاجران افغان و کردار غیرانسانی علیه آنان) نیست. افسوس که هیچ خبری از برخورد قانونی و قضائی و انتظامی با متخلفان پیشین منتشر نشده، و حالا، مورد جدید باز در آستانه روز جهانی حقوق بشر (دهم دسمبر، نوزدهم آذر) تأسف برمی‌انگیزد و سندی ناگوار برای ایران و ایرانیانی می‌شود که افزون بر سه دهه است میزبان مهاجران افغان‌اند.

دیگر؛

”مباد بشکند ای رودها غرور شما

که این صحیفه شد آغاز با سطور شما

...چه شادمانه به کابوس مرگ می‌خندید

دو روی سکه هستی است سوگ و سور شما

مباد خسته شود دست‌های جاری تان

مباد تنگ شود سینه صبور شما

مباد تیره مردابیان تبیره زند

مباد بشکند ای رودها غرور شما“

(واصف باختری)

دی‌ماه [جدی] ۱۳۵۸ بود که ارتش سرخ شوروی حمله به افغانستان و دخالت نظامی مستقیم در طراحی حکومت این کشور را در دستور کار قرار داد. دولت ببرک کارمل جای دولت حفیظ الله امین را گرفت که در پی کودتای اردیبهشت [ثور] ۱۳۵۷ بر سر کار آمده و تحت حمایت مسکو بود. زین پس، مهاجرت افغان، روندی فزاینده و متشدد گرفت. و به‌گونه‌ای قابل حدس، ایران مقصد بخش مهمی از فراریان رنج‌دیده و مهاجران مصیبت‌دیده شد.

اهالی خراسان، زودتر از دیگر نقاط کشور مهاجران را در کنار خویش دیدند. ایران پس از انقلاب و تغییر نظام سیاسی، کشور در حال جنگ، و اقتصاد بحرانی، بر تعامل میزبانان با مهاجران، تأثیرات غیرقابل‌گریزی به جای نهاد. و این، مستقل از بی‌تجربگی اکثریت ایرانیان در پذیرائی از موج فزاینده ده‌ها هزار مهاجر بود که بی‌وقفه جریان داشت. وضعی که در حوزه‌های گوناگون (از جمله رسیدگی به مهاجران و حمایت از آنان) مشکلات متشدد می‌آفرید.

نگارنده که در نیمه نخست دهه ۶۰، در مشهد دانش‌آموز دبیرستان بود، نمونه‌های تلخ متعددی از رفتارهای ناروا و غیرانسانی ”شر“‌های مدرسه و محله به‌یاد دارد. کسانی که با افتخار، موارد ”زورگیری“ و ”تلکه کردن“ کارگران مظلوم و مهاجران غیرقانونی افغان را اینجا و آنجا تعریف می‌کردند.

و این درحالی بود که سخت‌کوشی و صداقت و خوش خلقی و آرامش مهاجران، و البته اجرت کم کارگران افغان، هر روز مشهورتر می‌شد و خاطرخواهان بیشتری می‌یافت. و تجربه‌های شخصی و متعدد نگارنده، شواهدی استوار، دال بر آن فهرست می‌کرد.

امواج بعدی مهاجرت پس از خروج ارتش شوروی از افغانستان، و بعدتر با ظهور طالبان، و ناامنی‌ها و جنگ مترتب بر آن، و حتی پس از آن، با تداوم خشونت و بحران اقتصادی، ادامه یافت روندی که میزان مهاجران افغان در ایران را به رقمی بسیار قابل توجه (مطابق گزارش‌های رسمی: نزدیک به سه میلیون نفر) رسانده است.

بیش از سه دهه میزبانی ایرانیان از مهاجران سفر کرده از همسایگی شرقی، با تمام کاستی‌ها و اختلالات و موانع و ضعف‌ها و نواقص، در خور اعتناست. معنادار آن‌که با وجود این زمان طولانی، هنوز نگاه درمجموع مثبتی به مهاجران افغان وجود دارد و اکثریت ایرانیان در جایگاه میزبانانی مهربان و نوع‌دوست ایستاده‌اند.

در یک نظرسنجی جدید که در تابستان سال جاری توسط روزنامه "خراسان" منتشر شده، نتایج قابل توجهی وجود دارد؛ ازجمله آن‌که افزون بر نیمی از مخاطبان پژوهش در مشهد، افغان‌ها را افرادی آرام، سخت‌کوش و صادق توصیف کرده‌اند، و حدود ۱۶ درصد آنان را شبیه به ایرانی‌ها دانسته‌اند. یا این‌که حدود ۷۷ درصد گفته‌اند که از مهاجران افغان "خاطرات خوب و مطلوب" دارند یا "خاطره مثبت یا منفی" ندارند. هرچند - به گونه‌ای قابل حدس - اکثریت (کمی بیش از نیمی از مخاطبان تحقیق) معتقدند و منتقد که نیروی کار افغان، جای نیروی کار ایرانی را می‌گیرد؛ اما جالب است که تنها یک سوم شهروندان بر خروج آنان از کشور، اصرار دارند.

این وضع کلی، دریغ است که با سوءمدیریت حکومت، یا کردارهای ناروای برخی صاحبان قدرت، مخدوش شود و تصویری دیگر از ایران - به‌خصوص در منطقه، و نزد همسایگان - بیافریند.

آخر؛

"سازای بزن که دیرزمانی است نغمه‌ها

در دستگاه ما و تو شیون درست شد

دستی بده که - گرچه به دنیا امید نیست -

شاید پلی برای رسیدن درست شد

شاید که باز هم کسی از بلخ و بامیان

با کاروان حله بیاید به سیستان"

(محمدکاظم کاظمی)

کمتر از یک ماه دیگر، چهار سال می‌شود که نویسنده این مطلب کولمبار مهاجرت بسته و خود - چنان میلیون‌ها مهاجر افغان - در سرزمینی جز مام میهن، سکونت گزیده است. در این مدت، کمتر رویداد مرتبط با مهاجرت بوده که خاطر نگارنده را به‌سوی مهاجران افغان سوق نداده باشد. چه ناامنی و تهدید مستقیم یا غیرمستقیم، و چه حمایت و امتیاز و کمکی توسط دولت میزبان، همواره نگارنده را به یاد رنج‌ها و محرومیت‌ها و مصائب مهاجران افغان در ایران انداخته است و این درحالی است که افغانستان، کشوری آشنا برای ایرانیان، و همسایه آنان است؛ اکثر مردمانش، به زبانی مشترک با ایرانیان سخن می‌گویند، و اکثر ایشان دین و آئینی مشابه با مذهب غالب در کشور میزبان دارند. در چنین وضعی، تصور تحمیل درد و رنج مضاعف به مهاجران افغان، ناگوارتر می‌شود. درد و رنجی ازجمله آنچه که افسر نیروی انتظامی بر مهاجران بازداشت شده، تحمیل کرده است.

فلم مزبور، نه فقط موجبی برای شرمساری نیروی انتظامی و دولت جمهوری اسلامی، که مایه شرمندگی ایرانیانی است که دغدغه حقوق بشر دارند و با درد و رنج مهاجران افغان و ملت افغانستان، همدل‌اند.

وزیر کشور دولت اعتدال‌گرای روحانی، اگر نه برای پاس‌داشت حقوق بشر و اگر نه برای رعایت اصول انسانی و اخلاقی و دینی، دست‌کم برای حفظ آبروی خود، موظف به پیگیری تخلف فاحش رخ داده در فلم اخیر، و تدبیر برای جلوگیری از تکرار آن است. انتظاری که در سطحی فراتر و به جهت اهمیت موضوع و در حوزه مدیریت کلان، از شخص رئیس‌جمهور وجود دارد.

بی‌گمان، ناظران و مدافعان حقوق بشر در ایران، در کنار درد و رنج مهاجران افغان خواهند ماند و برای همسایگان و هم‌زبانان شرقی، روزهای خوش، امن و سلامت آرزو می‌کنند؛ روزهایی که نه آنان را نیازی به مهاجرت باشد و نه در ایران آزاد و امن و توسعه یافته و رها از استبداد دینی، تهدید و تحقیر و توهینی متوجه ملت افغانستان.

”...چراغهای بهشتی آرزوهایت

همیشه روشن و

گلخانه‌های رؤیایت

همیشه روشن و

همیشه بشگفته

برو ولی میر از یاد چشمهائی را

که خسته خسته تو را

به چار چوب امید شکسته تر از پیش

قاب می کردند.“

(عبدالقهار عاصی)

*توضیح:

اشعار استفاده شده در یادداشت جملگی بخش‌هایی از سروده‌های شاعران افغان است.

منبع: روزآنلاین

یادداشت:

هرچند اکثر کسانی که پارچه شعری از آنها توسط نویسنده مورد استناد قرار گرفته، از نظر ما عناصر ضد انقلابی و دشمن منافع مردم و از جمع مداحان امپریالیزم و ارتجاع به شمار می‌روند، ما این نوشته را به پاس، همدلی یک فرزند انسان‌دوست ایران با آورانگان افغان، منتشر نمودیم. باشد این تذکر بهترین گواه ما گردد در ابراز انزجار از پشت کردگان به مردم، حامیان ارتجاع و قاتلان خلق در بند ما!

اداره پورتال AA-AA